

# جهان آینده تبدیل به بهشت می شود یا جهنم؟

بهر روز هماسب کاظمی

معاون نظارت و ارزیابی ستاد فرهنگ دبیرخانه



امروزه پیشرفت سریع فناوری در جامعه انسانی در چند دهه اخیر و سرعت روزافزون آن موضوع بحث بسیاری از اندیشمندان جهان است. بررسی پیش‌بینی‌های صاحب‌نظران در مورد بعضی از اتفاقات حاصل از پیشرفت فناوری در دو دهه گذشته نشان می‌دهد که جهان کنونی بسیاری از مرزهایی که در انگاره ذهنی متفکران، به عنوان یک تخیل افراطی بدان نگریده می‌شد، درنور دیده و سال‌هاست آنها را پشت‌سر گذاشته است و هر روز دستیابی به این تخیلات که از ذهن فناوران بروز می‌یابد دست‌یافتنی‌تر می‌شود تا جایی که اکنون آنچه فعالان این حوزه به آن می‌پردازند بیشتر به یک پیشگویی یا حالت غیبی شبیه است و تحقق‌پذیری این آینده تخیلی را ملموس‌تر می‌کند.

خارج از پذیرش یا عدم پذیرش این ادعا، به سادگی می‌توان دریافت که فناوری در حال تغییر بشریت و جامعه بشری است و قدرت آن برای تغییر ما در پیچیدگی، دقت و دامنه هر روز بیشتر خواهد شد؛ و تا جایی که قوه تخیل به آن اجازه می‌دهد پیش خواهد رفت. ما هر روز با فناوری خودساخته بشر درگیر هستیم. آن را می‌پوشیم، کاشت می‌کنیم و می‌لعیم و در بدن و مغز خود ادغام می‌کنیم و بدون نیاز به یک تراشه با ماشین‌آلات و محصولات جانبی فناورانه خود ادغام شده‌ایم.

سرعت عجیب پیشرفت فناوری به خصوص در حوزه‌های فناوری شناختی، هوش مصنوعی و زیستی آنقدر زیاد است که حتی درک تغییرات حاصل از اثرات عمیق آن در بسیاری از موارد قابل احساس نیست و این تغییرات آنقدر پیچیده و عمیق انجام شده است که بعضی معتقدند عصر انسان خاتمه یافته و بشریت وارد دوره پس‌انسان شده است. طوری که جهان به سرعت در حال تبدیل شدن از پدیده فعلی به پدیده‌ای کاملاً متفاوت و جدید است. تا حدی که بسیاری بر این باورند که فناوران امروز در حال اختراع جدیدی از انسان و جوامع بشری هستند اما هیچ طرح از پیش تعریف شده و هدفی برای این اختراع جدید وجود ندارد و اینجاست که این اختراعات جدید را ترسناک می‌خوانند. در مقابل این دیدگاه این اختراعات و تغییرات گسترده برای بعضی‌ها رهایی‌بخش و هیجان‌انگیز است و آن را جزء انفکاک‌ناپذیر حیات انسان در روی زمین در مسیر پیشرفت انسان در دوره حیات خود در جهان خلقت می‌دانند.

آنچه امروز مسئولیت اندیشمندان را بیشتر و بیشتر می‌کند پاسخ به این سوال است که تحولات عمیقی که در حال رخ دادن است جهان آینده بشر را تبدیل به بهشت می‌کند یا جهنم؟ اگر فناوری هر روز ظرفیت انسانی را افزایش می‌دهد این افزایش ظرفیت در کجا و چگونه باید به‌کار گرفته شود و مسیر تغییرات و تحولات آینده بشر به کجا خواهد رفت؟

قطعا بازیگران کلیدی این تحولات یعنی هرکهای زیستی، فیلسوفان جدید و دانشمندان برساخته‌های انسانی، اخلاقی، اجتماعی و اعتقادی جدید را پیش روی انسان قرار خواهند داد و این برساخته‌ها مبتنی بر پیش فرض‌های نظری، اعتقادی و اهداف راهبردی این بازیگران شکل گرفته و عمل خواهند کرد. بیش از یک دهه قبل کوبالچوک یکی از اندیشمندان روس در مقاله‌ای اشاره کرده که علوم و فناوری‌های همگرا، علوم پایه قرن حاضر خواهند بود و چنان حمله برق‌آسا و تغییراتی در جامعه بشری ایجاد خواهد کرد که تحمل آن در تصورات انسان کنونی قابل درک نیست. حرکت در مسیری‌هایی که ترکیب این فناوری‌ها پیش روی انسان قرار می‌دهد باعث می‌شود تا تمدن‌هایی متفاوت از هر آنچه در گذشته ساخته است تجربه کند. از این رو انسان ناگزیر است که در دنباله این ترکیب پیش‌فرض‌های نظری حاکم بر علوم الهی، اجتماعی و انسانی را قرار دهد که مبنای نظری حاکم بر این علوم، تمدن‌های خیر و شر آینده بشریت را رقم خواهد زد.

تحولات کنونی جوامع در چند سال اخیر این تفاوت‌ها را به خوبی نشان می‌دهد و اگر اندیشمندان امروز شناخت دقیقی از ابعاد این تغییرات نداشته باشند به

جرات می‌توان گفت کنترل آن در آینده برایشان غیرممکن خواهد بود. تغییرات گسترده‌ای که در همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ در جهان بشری در حوزه سلامت و اقتصاد رخ داد یکی از پیش‌لرزه‌هایی بود که بخشی از دانشمندان را به خود مشغول نمود. از طرفی عده‌ای از اپیدمیولوژیست‌ها، ویروس‌شناسان، مهندسان و متخصصان حوزه پزشکی در آزمایشگاه‌های خود در حال آزمایش‌های بی‌باکانه خود برای ساخت نمونه‌ای از ویروس هستند که اهداف آن را بازگو کرده‌اند. از طرفی خیل عظیمی از همین دانشمندان دور هم جمع شده‌اند تا جان انسان را از این بلیه خودساخته بشر نجات دهند. این بیماری همه‌گیر، باعث تسکین ارتباط متقابل زندگی و ظرفیت قابل توجه انسان‌ها در انجام کارهای خوب از طریق کاربرد علم شد و در این بین در بررسی رخدادهای سیاسی و اقتصادی جهان ما شاهد روش‌ها و اقداماتی برای بازنمایی ظرفیت انسانی برای خیر و شر از طریق فناوری بودیم. این رفتارها در بستر اصول، اعتقادات، باورها، هنجارها، ارزش‌های حاکم بر کنشگران فعال در این رخداد قابل بررسی است و نمونه‌ای بارز اما کوچک از آن چیزی است که در آینده شاهد آن خواهیم بود.

مقام‌معمظم رهبری (مدظله العالی) طی سه دهه گذشته دائماً بر شناخت و پیشرفت در علوم و فناوری‌های جدید تاکید نموده و به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی خود این موضوع را شخصاً پیگیری نموده و بر تداوم آن تاکید کرده‌اند. علاوه بر این، پیگیری ایشان برای دستیابی به مرزهای جدید علوم و فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی نگاه عمیق و آینده‌نگرانه ایشان را در پیش‌بینی آینده و تحولات ناشی از رشد سرسام‌آور تاثیر فناوری به زندگی بشر بازنمایی می‌کند؛ چراکه بشر در تمدن‌های آینده خود نیازمند تعالیم عمیق الهی برای زیست انسان در جهان خلقت است و این محقق نخواهد شد مگر اینکه دانشمندان این علوم و فناوری‌ها آنچه از به‌کارگیری این علوم می‌سازند با رعایت این اصول و ارزش‌های الهی باشد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان قرارگاه اصلی مدیریت این حوزه باید با نگاه آینده‌نگرانه‌ای اولاً تمامی حوزه‌های علوم و فناوری‌های نوظهور در جامعه بشری را رصد و پایش نماید؛ ثانیاً با اولویت‌بندی این حوزه‌ها و با نگاه عمیق انسانی - اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های الهی اسلام مسیر پیشرفت و حرکت برای دستیابی به این فناوری‌ها را مشخص کند. در مرحله سوم باید با تکیه بر ارزش‌ها و اصول حاکم بر اهداف و حیات انسان چهارچوب اصلی ساخت جامعه آینده را در بستر این علوم و فناوری‌ها بنا نموده و مأموریت تمدنی انسان را مبتنی بر این آموزه‌ها مشخص نماید.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در دو دهه گذشته با پیگیری و تصویب اسناد راهبردی در حوزه علم، فناوری و فرهنگ سعی در سازماندهی امور و هدایت فعالیت‌ها به سمت کسب اقتدار علمی در راستای اهداف سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ نموده است؛ در این راستا لازم است با سازماندهی مجدد نهادهای علمی و فرهنگی در بستر گفتمان انقلاب و اسلام ناب، راهبردهای پیروی‌کننده از جریان علم و فناوری در چهارچوب و الگوی لیبرالیستی و کاپیتالیستی را، به سمت راهبردهای پیشروانه و تمدن‌سازی که در بعضی از حوزه‌ها با هدایت رهبری حکیمانه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) پیگیری و به نتیجه رسیده است، تغییر مسیر دهیم.

به جرأت می‌توان ادعا کرد سازماندهی درونی فعالیت‌های این حوزه‌ها بدون توجه به ابعاد انسانی و اجتماعی، اخلاقی، معرفتی آن در بستر تعالیم الهی اسلام، نتیجه‌ای جز مصرف‌ظرفیت‌های کشور در سازمان مدیریت علم و فناوری و فرهنگ در پارادایم استعمار فرانو در بر نخواهد داشت و چه‌بسا باعث تسریع در دستیابی به اهداف شوم تمدن‌هایی خواهد شد که نظام سرمایه‌داری کنونی آن را دنبال می‌کند. بدون توجه به ظرفیت‌سازی در کشور برای تولید نظریات متناظر جوامع آینده توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی آنچه در بستر شبکه‌های و عقل فناورانه جامعه کنونی رخ خواهد داد، تسریع در پذیرش دستاوردهای فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و انسانی حاصل از توسعه و به‌کارگیری فناوری‌هایی دست‌ساخته این جوامع خواهد بود.